

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر
۱۸ نومبر ۲۰۱۹

درباره زندگی رفیق شهید حجت الله نیک نژاد



چریک فدائی خلق رفیق حجت الله نیک نژاد (کاک سلیمان) در تیر ماه [سرطان] سال ۱۳۲۵ در شهرستان نور در استان مازندران به دنیا آمد. وی، با توجه به علاقه اش به ورزش کشتی و این واقعیت که در فاصله سال های ۴۵ تا ۵۰ از چهره های سرشناس کشتی مازندران شناخته می شد و همچنین روحیات مردمی اش و کمک های بی دریغش به تهیدستان شهر از محبوبیت مردمی بالائی در شهر نور برخوردار بود. پس از اتمام تحصیلات دبیرستان با توجه به موقعیتی که در ورزش شهرشان کسب نموده بود، در سال ۵۱ به عنوان رئیس تربیت بدنی شهر نور انتخاب شد. اما بورکراسی فاسد حاکم با روحیات مردمی اش انطباقی نداشت به همین دلیل هم در سال ۵۴ از کار بیکار و حتی به دلیل درگیری هائی که با مقامات دولتی پیدا کرده بود، مبادرت به دستگیری اش نمودند. یکی دیگر از جلوه های روحیات مردمی رفیق حجت در آن سال ها تلاشش جهت ایجاد یک مؤسسه خیریه برای کمک به محتاجان و تهیدستان شهر بود. این مؤسسه خیریه که تحت نام "جاوید" شناخته می شد، به کمک رفیق حجت و یاری تعدادی از

دوستان و آشنایانش البته نه به صورت رسمی در شهر نور پا گرفت که خود انعکاسی از اعتماد و احترام مردمی نسبت به وی بود.

در این سال ها با شروع مبارزه مسلحانه توسط چریکهای فدائی خلق فضای سیاسی جامعه شروع به تغییر کرده بود و این واقعت خود را در بحث هائی که در درون خانواده ها شروع شده بود و نظرات ارائه شده، بروشنی نشان می داد. اگر تا دیروز اعمال وحشیانه دیکتاتوری لجام گسیخته شاه و شکست های پی در پی مبارزات مردمی، روحیه یأس و ناامیدی را در سطح جامعه سبب شده بود و ترس و وحشت از ساواک شاه به این ایده دامن زده بود که با این قدرت کاری نمی توان کرد و تحت تأثیر مطلق کردن قدرت سرکوب دشمن و جهت گریز از بحث و مباحثه سیاسی در خانواده ها، بزرگان خانواده می گفتند و اندرز می دادند که "دیوار موش دارد و موش گوش دارد"، اما حال شاهد روز افزون اشاعه اندیشه ها و آرمان های مردمی در میان خانواده ها بودیم. امری که در خانواده پر اولاد نیک نژاد ها نیز خود را نشان می داد.

مخالفت با رژیم دیکتاتوری شاه و افشای دزدی ها و فسادهای آشکار اعوان و انصارش و حمایت از جانفشانی های مبارزان مسلح که سیانور در دهان به جنگ دار و دسته مزدور شاه برخاسته و جان بر کف، پوشالی بودن قدرت این "ببر کاغذی" را هر روز در کوچه و خیابان به نمایش می گذاشتند، هر روز بیشتر از پیش اشاعه یافته و به یکی از موضوعات بحث های رایج خانواده ها بدل شده بود.

این واقعیت در عمل بخشی از تدارک طوفانی بود که در کل جامعه شکل می گرفت و می رفت تا بنیان سلطه رژیم سلطنت را واژگون سازد. در سال ۵۶ با شروع این طوفان، تأثیرات آن در خانواده ها و از جمله خانواده رفیق حجت نیز با وضوح هر چه بیشتری نشان داده شد و رفیق حجت و تعدادی از برادرانش به هواداری از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به انقلاب علیه وضع ظالمانه حاکم پیوستند.

به این ترتیب محل زندگی این خانواده بزرگ با توجه به محبوبیتی هم که در شهر داشتند در شهر نور به مرکزی جهت تجمع هواداران سازمان بدل شد. با روی کار آمدن دار و دسته خمینی، رویدادی که در آن زمان فریبکارانه به عنوان پیروزی انقلاب تبلیغ می شد، به طور طبیعی انتظار می رفت که با توجه به انقلابی که مردم به آن دست زده بودند، رژیم جدید در جهت تحقق مطالبات مردم گام بردارد؛ اما رژیم جدید در عمل نشان می داد که نه تنها چنین قصدی ندارد بلکه در تلاش است تا همان یک ذره آزادی، دستاورد مبارزات مردم را هم باز پس گرفته و اختناق گذشته را به توده ها تحمیل نماید. تأثیرات ناشی از این واقعیت به طور طبیعی در صفوف سازمان های سیاسی و از جمله مهمترین آنها سازمان چریکهای فدائی خلق انعکاس می یافت. به همین دلیل هم این سازمان به دلیل عدم پایداری بر مواضع انقلابی و در پیش گرفتن سیاست مماشات با جمهوری اسلامی دچار انشعاب و ریزش نیرو گردید.

با شکل گیری چریکهای فدائی خلق ایران خانواده نیک نژادها نیز با اعتقاد به ضرورت مبارزه جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و حفظ و گسترش دستاوردهای قیام بهمن [دلو] به آن پیوستند. زمانی که بر اساس مصوبات جلسه وسیع تشکیلاتی سازمان در سال ۵۹ قرار بر این شده بود که در جهت سازماندهی دسته ای پارتیزانی در جنگل های شمال اقدام شود، نیک نژادها با توجه به امکانات وسیعشان در منطقه و شناختشان از جنگل های مازندران از اولین رفقای سازمان و نیرو های محلی بودند که با شور و شوق به این برنامه پیوستند.

متأسفانه نارسائی های موجود در سازمان ما در سال ۶۰ به انشعاب غیر اصولی منجر شد که طی آن همه تدارکات و امکانات حرکت در جنگل در اختیار بخش منشعب قرار گرفت. به این ترتیب آن رفقاء با توجه به سازماندهی و

تجهیزی که شده بود در شهریور [سنبله] سال ۶۰ حرکت دسته ای را در جنگل های مازندران شروع نمودند. حرکتی که برخی از راهنماهای اصلی آن رفقاء حجت الله، مختار و فرج الله نیک نژاد بودند. با توجه به محدودیت های دید رفقاء از این حرکت، پس از یکسال رفیق حجت و دیگر اعضای خانواده اش از این رفقاء جدا و دو باره به چریکهای فدائی خلق ایران پیوسته و جهت ادامه مبارزه به کردستان اعزام شدند.

رفیق حجت که در کردستان، رفقاء وی را "کاک سلیمان" صدا می زدند. در فاصله ای که در صفوف پیشمرگان سازمان کردستان علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می جنگید با بهره گیری از توان و استعداد نظامی اش در ده ها عملیات نظامی شرکت کرده و به یکی از فرماندهان پیشمرگان سازمان در کردستان بدل شد. رفیق حجت در یک رشته عملیات پیشمرگان چریکهای فدائی خلق در بهار سال ۶۲ و از جمله در مقاومت مقابل تعرض ارتش ضد خلقی در جاده مهاباد سردشت در ۲۵ فروردین [حمل] ۱۳۶۲ و همچنین حمله به پایگاه "عامد" در ۲۶ فروردین [حمل] ۱۳۶۲ نقش برجسته ای ایفاء کرد.

با توجه به روابط گسترده ای که کاک سلیمان در مازندران داشت، وی در سال ۶۳ جهت بررسی این روابط، از کردستان به مازندران رفت که متأسفانه چندی بعد به گفته یکی از اقوامش در اواخر سال ۶۷ در کرج دستگیر و پس از سال ها شکنجه و زندان در سال ۷۵ در سیاهچال اوین به دست دژخیمان جمهوری اسلامی تیربازان شد. به این ترتیب چریکهای فدائی خلق ایران یکی از صمیمی ترین یاران خود و مردم نور یکی از خوشنام ترین و محبوب ترین همشهری های خود را برای همیشه از دست دادند.

یاد رفیق حجت الله نیک نژاد گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۷۰، پانزدهم آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۸